



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۲۰



ولی شاکر

خانه ام اصلاً از این شهر کمی دورتر است

خانه ام اصلاً از این شهر کمی دورتر است
دل من بسته به جایبست که جای دگر است

گوش را نیست به جز قصه خونین جگری
نگه ام کاش نبیند نگه ای را که تر است

در جهان هیچ دلی نیست که بی غم باشد
و سری را نتوان یافت که بی درد سر است

آدم عصر نوین میدرد همنوعش را
واقعاً جای بسا شرم به نسل بشر است

من ندانم که چسان شد ز گلویت پایین؟
لقمه نانی که درخون یتیم تو تر است

حیف ناآگهیء زاهد ما از فرهنگ!
وا بر آن شیخ که از علم و هنر بیخبر است!

دختری را که به آفاق نماید پرواز
نکند فکر کنی مرغک بی بال و پر است

دوستان در غم تنهاییء ما منشینید
بخت ما با غم دوریء شما همسفر است

غم دنیا، غم یاران، غم میهن، غم نان
آب این برکهء پردرد پریده ز سر است

ناله در شعر مرا راه رسیدن بر تُست
بر اگر خاست زدل، آه به دل کارگر است

روشن از نور امید است دلم در دل شب
عاقبت از پی هر شام، نوید سحر است

شاکر از خیر بزرگان سیاست امروز
چو تو کس نیست که در روی جهان در بدر است

د پانو شمیره: له 1 تر 1